



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۱/۱۱

ملک الشعراء محمد نسیم اسپر

کجنهاد پر از عنادا!

چند سال پیش، در اثر اشاعه منظومه ای، مناقشه ادبی با آقای رخ داد که باهم سر تسلیم نگذاشتیم. چون جناب، در عین جوانی کم حوصله تر از من بود، آستین برزده و آنچه دلش می خواست حواله این هیچمدان کرده، فرمود، من شاعر نه، بلکه ناظم.

من که خود ادعای چنین مقامی را ندارم، بلکه این مردم شریف من است که به چنین مقام و القابی مفتخرم ساخته اند، دلم به حالش سوخت و شعری سرودم تا آسوده خاطر باشد که یگانه افتخار من درین راه (چه به نام شاعر، یا ناظم)، خدمت به مردم درد رسیده وطنم می باشد نه کسب!!

لقب و مقام :

کج نهادی گفت از روی عناد این که شاعر نیستم من، ناظم
گه به تحریک کسی گویم سخن گه به تشویقی، کسی را خادمم
در نوشتن گاه ازین و گاه ازان در تکاپو، هر زمان و دایم
آله دستى ازین و آن منم نی ثباتی دارم و نی قایم
از فنون شعر آگه نیستم نیست دانائی به قدر لازم
از بلاغت نیست در گفتار من لیک بیجا هرکسی را لائم «ا»

«۱» ملامت کننده

به اهتمام ولی احمد نوری

حیف، از غفلت نمی داند که من عاشقم، گر شاعرم، یا ناظم
مأم میهن را بجان خدمت کنم این بود از دل شعار دایم
من نه آن طفلم که پندارد کسی گر قلم در کف بگیرم صارم «۲»
دیگرم شاعر مخوانید دوستان
ناظم من، ناظم من، ناظم

م. نسیم اسیر ۳ سپتمبر ۱۴، فرانکفورت

